



آنچه در این شماره خواهید خواند:

- دنیای بی علی
- نکات روزه داری
- ارکان تعلیم و تربیت اسلامی
- سلام خانم معلم
- روز معلم مبارك
- معرفی کتاب
- جایگاه معلم در نگاه رهبری

## سخن سردبیر

بسم رب الشهداء و الصديقين

خدا را شاکر هستیم که بار دیگر توفیق عبادت و بندگی را  
روزیمان کرد تا بر سر سفره میهمانی لطف و کرمش گرد هم بیاییم  
و از الطاف خدای مهربان بهره مند شویم.

امید است که این شماره از گاهنامه رویش مورد توجه شما  
بسیجیان عرصه علم و سازندگی قرار بگیرد.

یا علی مدد

الهه بیکدلی

## سخن مدیر مسئول

به توکل نام اعظمت

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام خدمت دانشجومعلمای عزیز، ان شاءالله طاعات  
و عباداتتان در این ماه پرفضیلت قبول درگاه حق باشد.

بسیار خرسندیم که عمری باقی ماند تا بتوانیم با کمک شما، شماره  
جدید نشریه رویش را تدوین کنیم.

در این ایام اسفناک دلمان به همکاری و دعا نسبت به همدیگر  
خوش است. در این شماره از نشریه رویش، ان شاءالله امام علی (ع)  
یار و یاورمان باشد تا قادی درست در مسیر تعلیم و تربیت برداریم  
و با توکل بر خدا و تلاش روز افزون به تحول صحیح در حوزه  
آموزش و پرورش دست یابیم.

ان شاءالله

فاطمه علیپور اقدم

## نشریه رویش

### شناسنامه

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

استان آذربایجان غربی

اردیبهشت ۱۴۰۰

مدیرمسئول: فاطمه علیپور اقدم

سردبیر: الهه بیکدلی

هیئت تحریریه: معصومه همت زاده، معصومه  
عبادی پور، فاطمه رستمی، الهه بیکدلی، فاطمه  
علیپور اقدم، فاطمه ذبیح الهی، اسرا سادات نژاد،  
معصومه قاسمی

گرافیکست و صفحه آرا: فاطمه اخلاقی



لیله القدر است، روزه ام را با عطر بال ملائک افطار میکنم

بویی که می پیچد را دوست دارم، بوی بندگیست

اذان را گفتند فهمیدم صدایم می کنی ، خیالت راحت هیچ زمانی نمی بینی که لذت درد دل با تو را از یاد برده باشم

لیله القدر دیگری آمده و باز یک سال دلتنگی دارم تا ببارم در دامانت، می دانم درهای عرش عظیمت همه سرتاسر باز است وقت و حوصله برای گریه هایم بسیار داری مثل هر سال همین موقع اصلا تو منتظر هستی، منتظر همینکه بیایم و سفره دلم را که پیش همه کس ناگشوده است پیش تو بگشایم

سر سفره گریه دارم، گله دارم ، دلتنگی و به اندازه لحظه به لحظه یک سال اظهار بندگی ،اظهار پشیمانی و توبه.

می دانم پذیرای خوب و بدم هستی پس بی پرده خودم را به دست مهربانی ات می سپارم و در دریای توبه پذیری ات با اشک چشمانم غسل می کنم . چه دلپذیر است بنده ی تو بودن و پناهی جز تو نداشتن

همه سال را دلم هوای گریه های شب قدر را می کند. وقتی همه چیز را بی پرده می دانی و خیالم راحت است وقتی مهر ایمانت می خورد روی دلم و زیر نامه ی بندگی ام مجددا امضا می زنی

راستی خدای من تو که اینهمه مهربانی هنوز نتوانستم تخمین بزنم در رمضان و لیله القدر چه اندازه مهربان تر می شوی . حقا آری حقا که عاشقی ...

جز عشق چیزی نمی تواند تو را اینگونه عاشق آدم کند همانگونه که هست بی پرده جز عشق هیچ چیز نمی توانست احسن الخالقین را بر زبانت جاری سازد

زیباترین عاشق و معشوقم، ای باشکوه ترین مظهر پرستش، شب قدر است اندازه هزار ماه برایت حرف دارم چه گره ها که در کار دل هست و گره گشا فقط تویی

چه غم و اندوهی که در دنیا نیست و نشاط و چاره ساز آن تنها تویی

چه قفل هایی که بر زبان ها نیست و چه زنجیرها بر دست و پاها، ای گشاینده ی هر قفل می دانم باز مرا میشنوی، به حق لیله القدری که خیر من الف شهر است قسم به آیه آیه ی این بهار که تا تجدید عهد دیگرمان سر از خمار این مستی بر نمی دارم و از این راه عقب نمی مانم . برای من و برای آدم تقدیری پر از خودت بنویس ، تقدیری خدایی ای ارحم الراحمین



# اسکندما و وحشت دنیایی

مُرخ از قفس پرید، نداداد جبرئیل...

خورشید چراغکی ز رخسار علیست

مه نقطه کوچکی ز پرگار علی است

عدل از علی و حکم شهادت علی است

میزان عدالت کف رفتار علی است

سیزدهم رجب در سال سی ام عام الفیل در خانه خدا کودکی متولد شد که اولین گریه هایش . دلنشین ترین سرود عدالت و آزادی در جهان بود. آری او علی اولین و آخرین مولود کعبه بود. پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب از طایفه قریش بود و مادرش فاطمه بنت اسد بن هاشم بن مناف . بنابراین حضرت علی از هر دو سو هاشمی نسب بود حضرت علی اولین کسی بود که با وجود سن کم به حضرت پیامبر ایمان آورد و اسلام آورد و در حفظ و کتابت قرآن کوشید در علم همتا نداشت دروازه شهر علم پیامبر بود و در جنگها دوشادوش پیامبر برای دین خدا جنگید و در ليله المبیت حجت را در مردانگی تمام کرد پس از وفات پیامبر به دلیل شرایط به وجود آمده برای حفظ وحدت و جلوگیری از آشوب در جامعه متشنج اسلامی سکوت پیشه کرد و پس از آن در دوران کوتاه ولایت ظاهری و خلافت خود معنای عدل و عدالت واقعی را به جهان نشان داد. پس از جنگ نهروان و سرکوب شدید خوارج، گروهی از آنها برای کشتن حضرت علی نقشه کشیدند و ابن ملجم مرادی متعهد به قتل حضرت علی علیه السلام شد. سحرگاه روز نوزدهم رمضان ابن ملجم همراه با سه تن از خوارج وارد مسجد کوفه شد و هنگامی که حضرت علی در سجده بود فرق مبارک حضرت علی را با شمشیر شکافت حضرت با فرق شکافته نماز را به پایان رساند و پس از دو روز تحمل درد شهید شد . ضربت «ابن ملجم مرادی» ضربتی بود که بر پیکر اسلام، عدالت، حریت و فضیلت و بر پیکر تمام اهداف عالی انسانی وارد شد . بیست و یکم ماه رمضان مصادف است با سالروز شهادت ابرمردی که برای آمدنش خانه خدا شکافت و برای رفتن این اولین عاشق اسلام، فرق مبارکش را براساس کینه و عداوت شکافتند تا اولین شهید محراب شود و در بهترین لحظه و مکان بر روی زمین دعوت حق را لبیک گوید چه زیبا و شکوهمندانه با فرقی شکافته فرمود فزت برب الکعبه، به خدای کعبه سوگند که که رستگار شدم. با نوای فزت و رب الکعبه خود جگر زمین و آسمان را سوزانید و دنیا را با غم ناتمام روبرو کرد



شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ.....

از بین دوازده ماه سال، رمضان تنها ماهی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. این ماه از قداست خاصی در نزد خدا برخوردار است که نفس کشیدن و حتی خوابیدن شخص روزه دار را نوعی عبادت معرفی کرده است.

پیامبر خدا در حدیثی می فرمایند: اگر بنده ارزش ماه رمضان را بداند آرزو می کند که سراسر سال، رمضان باشد. ماه رمضان ماه خود سازی خود و جامعه است، ماهی برای تقویت اراده و ازدیاد تقوا می باشد که در آن فرشتگان تا زمان افطار برای روزه داران طلب استغفار می کنند.

روزه رمضان که چنین ارزش والایی نزد خداوند دارد حائز برخی نکات و آداب روزه داری است که رعایت و انجام آنها بر شخص روزه دار واجب است. در ادامه به برخی از نکات روزه داری اشاره می کنیم:

۱. روزه رمضان رکن مهم مسلمانی است که منکر آن کافر و ترک کننده آن ، فاسق و گناه کار است.
۲. روزه بر هر فرد مسلمان که توانایی بر روزه داری داشته باشد واجب است.
۳. روزه بر زن در حالت حیض و نفاس واجب نیست و در آن حالت روزه درست نمی باشد و حرام است و بعد از رمضان در حالت پاکی قضای آن واجب است.
۴. مسافری که سفرش ۱۶ فرسنگ یا بیشتر باشد و سفر او برای معصیت نباشد، می تواند از رخصت فطر استفاده نماید، مشروط به اینکه پیش از اذان صبح، سفر خود را آغاز نموده باشد و با وجود این، روزه گرفتن بهتر است، مگر اینکه روزه او را بی تاب سازد، که در این صورت می تواند افطار نماید، و قضا لازم می گردد.
۵. روزه بر کسی که تمام روز بی هوش باشد، یا بر شخص دیوانه واجب نیست.
۶. روزه بر کودک نابالغ واجب نیست، ولی وظیفه والدین است که فرزندان خود را از

سن هفت سالگی به روزه داری تشویق نمایند و چون احتمال بلوغ از سن نه سالگی است، لذا احتیاط آن است که کودکان را از سن هفت سالگی به روزه گرفتن عادت دهند.

**رکن روزه دو مورد است و یا به عبارت دیگر دو چیز در روزه واجب است :**

۷. الف: نیت.(عزم و اراده قلبی به معنای عزم و اراده قلبی بر انجام دادن عبادت است.)
۸. ب: امساک و خودداری از مفطرات.(خودداری از تمام چیزهای که روزه را باطل می کنند).

## اگر بنده ارزش ماه رمضان را

## بداند آرزو می کند که سراسر

## سال، رمضان باشد.

**چند مورد از مفطرات روزه که روزه را**

**باطل می کنند عبارتند از:**

۱. خوردن و آشامیدن و رسیدن هر ماده ای به جوف «خالی گاه» که ورود آن از راه های باز طبیعی بدن باشد، حتی استنشاق بخور و دود سیگار و...
۲. جماع و نزدیکی زناشویی.
۳. استمناء (خودارضایی: آوردن منی و شهوت به طریق مشروع و غیر مشروع).
۴. حدوث حیض، نفاس و زایمان.
۵. جنون و دیوانگی.
۶. بی هوشی مطلق تمام روز که لحظه ای به هوش نیاید.
۷. استغراق به عمد.
۸. سرم و آمپولی که رفع تشنگی و گرسنگی نماید.
۹. حُقنه و اماله (شیاف گذاشتن) روزه را باطل می کند.

۱۰. دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر کرم وجانشینان پیامبر (علیه السلام)

**برخی از موارد نیز می باشند که با رعایت نکات ذکر شده، روزه را باطل نمی کنند:**

۱. استحمام و زیر آب رفتن به شرطی که آب از منافذ طبیعی بدن وارد «جوف» نشود.
۲. استعمال سرمه در چشم و یا قطره چکانیدن و پماد چشمی.
۳. تزریق سوزن و آمپول در رگ یا در عضله برای علاج و درمان.
۴. خوردن و آشامیدن به طریق فراموشی، مشروط بر اینکه به محض متوجه شدن دست بردارد و لقمه را فرو نبرد.
۵. چیره شدن استغراق.
۶. استعمال حنا بر دست یا پا و یا روغن مالی پوست بدن.
۷. ورود گرد و غبار یا پشه که بدون قصد و اختیار وارد حلق روزه دار گردد.
۸. احتلام (جنب شدن) در حالت خواب در روز رمضان. اما خود را محتلم ساختن روزه را باطل می کند.
۹. موکول کردن غسل جنابت که در شب واجب شده، به بعد از اذان صبح؛ هر چند بهتر است پیش از اذان صبح غسل نماید.
۱۰. استفاده از اسپری برای بیمارانی که تنگی نفس دارند، چون ضرورت است روزه را باطل نمی کند. (توضیح: اگر روزه گرفتن برای بیماری خطرناک باشد آن فرد بیمار از روزه گرفتن معاف شرعی است و باید به جای هر روز فدیة بدهد).
۱۱. اگر روزه دار عمدًا تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد روزه او باطل نمی شود





## ۳ اردیبهشت سال روز شهادت شهید محمدولی قرنی

شهید «محمدولی قرنی» شخصیتی بود که نه تنها در تثبیت موقعیت ارتش در نظام جمهوری اسلامی نقشی اثرگذار داشت بلکه با شهامت و ایستادگی در مقابل فروپاشی ارتش، به این نیرو هویت داد و به همین خاطر خاری در چشم دشمنان میهن اسلامی بود. انتقادات سیاسی شهید قرنی نسبت به حکومت طاغوت، از پایان سال ۱۳۳۵ و در دوران نخست وزیری حسین علاء آغاز شد و کم کم به نقطه اوج خود رسید و لذا چند ماه بعد از جایگاه رکن دوم ستاد ارتش برکنار شد. خود قرنی در این باره چنین میگوید: «به علت شغلی که داشتم، متوجه فساد دربار شدم. هم شخص محمدرضا پهلوی و هم اطرافیان او، به شدت در این فساد سهم داشتند. من که خودم را مسئول میدانستم، چندین بار بابت این موضوع به شخص اعلیحضرت تذکر دادم، اما نتیجه نداشت». شهید قرنی در سال ۱۳۳۹، متحمل ۲ سال و ۸ ماه زندان شد، از سال ۱۳۴۱، مبارزات او علیه حکومت پهلوی پررنگتر شد؛ همزمان با آغاز مبارزه سیاسی حضرت امام خمینی (ره) علیه طاغوت، دلبستگی شهید قرنی به خواندن کتابهای سیاسی و مذهبی، او را نیز در زمره شاگردان جنبش اسلامی امام (ره) وارد کرد و به چهره‌های مذهبی و انقلابی نزدیک شد؛ بنابراین ساواک در سال ۱۳۴۲، او را به همراه شماری دیگر دستگیر و به مدت ۹ ماه در زندان انفرادی حبس کرد.

همسر سپهبد شهید قرنی می‌گوید: وی در زمان شاه و نظام طاغوت تا درجه سرلشکری ارتقا یافت، اما زمانی که متوجه اسلام‌زدایی و ستم‌کاری شاه و جنایات و خیانت‌های آمریکا در ایران شد، به تمام مزایای مادی و منزلت سرلشکری پشت پا زد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شهید قرنی از سوی حضرت امام (ره) به عنوان نخستین فرد نظامی به عضویت شورای انقلاب انتخاب و ضمن بازگشت به ارتش با درجه سرلشکری، به‌عنوان رئیس ستاد ارتش انقلاب منصوب شد.

پس از پیروزی انقلاب، معاندین در برنامه شوم خود برای جلوگیری از رشد نهال نوپای انقلاب اسلامی، ترور چهره‌ها و شخصیت‌های مهم لشکری و کشوری را طرح‌ریزی کردند و سپهبد قرنی، اولین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که روز سوم اردیبهشت سال ۵۸، پنج روز پس از نامگذاری روز ارتش از سوی امام عزیز (ره)، به دست گروهک منحرف فرقان در منزل شخصی اش واقع در خیابان، ولی عصر (عج) به شهادت رسید و نامش به عنوان نخستین شهید ترور و اولین سپهبد شهید ثبت گردید.



چرا با وجود تاکیدهای فراوان آموزه‌های دینی بر علم آموزی علم در جامعه اسلامی متروک مانده است؟ استاد مطهری در پاسخ به این پرسش می‌گوید: در واقع علل مختلفی دست به دست هم داد تا این اتفاق پدید آمد. یکی اینکه در فقه ما، علم به صورت یک فریضه نظیر نماز، روزه، خمس، زکات و حج تلقی نشد. آنچه که به صورت فریضه تلقی شد مسلمانان آن را حفظ کردند و به هر مشقتی بود به آن عمل کردند؛ ولی در مورد علم، سفرهای علمی، مانند سفر حج فرض شناخته نشد. علت این است که علم در فقه ما از ردیف فرایض خارج شد.

شهید مطهری، اسلام را دینی جامع و همه جانبه می‌داند که قرار است برای همه انسان‌ها راهنما باشد؛ تعلیم و تربیت را نیز به عنوان بخشی از مکتب اسلام قابل بررسی گسترده می‌داند و برای آن اهمیت بسیاری قائل است. وی معتقد است در مکتب اسلام قطعاً برنامه آموزشی مشخصی وجود دارد. هر مکتب که دارای هدف‌های مشخص است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد.

تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد مطهری بر پنج رکن اساسی مبتنی است. نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل علم‌آموزی و تعقل تأکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره ویژگی‌های علمی که انسان‌ها باید در پی

آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته است.

دومین رکن اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش استعدادها و نهفته در وجود آدمی است. از اولویت‌های انسان‌شناسی اسلامی، این است که لوح وجود آدمی در آغاز تولد پاک و بی‌نقش نیست و خداوند در نهاد همه ابنای بشر پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. استاد معتقد است که در واقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای باطن انسان‌ها نیست. از دیگر ارکان تعلیم و تربیت اسلامی این است که در اثر آموزش صحیح، فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی در وجود آدمی متمکن می‌شود و روح انسان به آنها عادت می‌کند.

بسیاری از نظریه‌پردازان بزرگ تربیتی در غرب عقیده دارند که عادت اصولاً و مطلقاً، ناپسند است؛ اما در نظریه تعلیم و تربیت اسلامی ایجاد عادات فعلی برای تربیت

شوندگان جایگاه مهمی دارد و غفلت از آن روند تربیت دینی را تا حدود زیادی مختل خواهد کرد. انسانی که به روش اسلامی تعلیم می‌بیند و تربیت می‌شود، باید موجودی «اخلاقی» از کار درآید و این یکی دیگر از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی است.

تعلیم و تربیت اسلامی در یکی دیگر از شئون خود بر مسئله «عبادت» مبتنی است. در تفکر اسلامی کمال غایی آدمی آن هنگام محقق می‌شود که او به مرتبه «عبادت» برسد و در هیچ حال و مقامی از ذکر باری تعالی غافل نشود و رسیدن به این مستلزم نوعی خاص از سلوک روحی و جسمی است که جز در ضمن سیستم آموزشی و پرورشی دقیق ممکن نخواهد بود.

## دانش آموخته دانشگاه فرهنگیان و معلم آموزش و پرورش منطقه نازلو



اگر سلامی با دوستان ما دارید بفرمایید...

بسم الله الرحمن الرحيم، به نام خداوند بخشنده مهربان عرض سلام و احترام محضر همه شما دانشجومعلمان عزیز، همکاران عزیز آینده. خیلی خوشحالم که در خدمتتون هستم امیدوارم بحث خوبی باشه.

خانم صالحی با کرونا چه میکنید؟

با کرونا که داریم زندگی میکنیم خب سعی می کنیم که توی شرایطی که بوجود اومده زنده بمونیم بعد آرامش خودمون رو حفظ کنیم و یک وظیفه خیلی سنگینی هم داریم توی شاد درس میخوانیم، خودمون درس میگیریم و خب امتحان میگیریم و خودمون هم مشغول امتحان دادن هستیم.

در سالی که بیماری کرونا شیوع پیدا کرد چه حالی داشتید؟

قضیه کرونا که پارسال اوایل اسفندماه بود ( یعنی نیم سال دوم سال تحصیلی بود) کرونا که اومد ما دچار یه شوک بسیار بزرگی شدیم. آموزش و پرورش دچار یه چالش بسیار بزرگ شد و سوال همه کادر آموزشی این بود که چیکار باید بکنیم.

جالبه که بهتون بگم متخصصان حوزه آموزش اومدن دوره کرونا رو به سه بخش تقسیم کردند: فاز اولش، فاز ترس و وحشت بود که همه ما واقعا دچارش شده بودیم یعنی ترس از دست دادن جان خودمون، اطرافیانمون و بستگانمون. وحشت زده از اینکه آموزش و پرورش قراره چطور بشه الان سال تحصیلی و آموزش تموم شد یا ادامه دار قراره بشه؟

فاز دوم فاز حفظ سیستم آموزشی بود. واقعا ماها به عنوان معلم باید تمام تلاش خودمون رو میکردیم که سیستم آموزشی و کلاس خودمون رو حداقل بتونیم ثابت و پایدار نگه داریم و ادامه داشته باشه و فاز سوم که الان مشغولش هستیم فاز پیشرفته یعنی با آمادگی کامل سعی میکنیم که با این شرایط برخورد کنیم و مواجه بشیم و به استقبالش بریم و در نهایت درس هامون رو به موقع بگیریم و تکلیف ها رو بگیریم.

فکر میکردین که کرونا همچنان ادامه پیدا بکنه و در سال تحصیلی ۹۹ باعث بشه از دیدن دانش آموزان تا حد زیادی محروم بشید؟

ببینید پیش بینی ها این رو نشون میداد؛ چون بعد از سال تحصیلی که تموم شد ما از تابستون طبق اعلامی که بهمون کردند وارد کلاس های تولید محتوا شدیم، بخشنامه شد بهمون که شروع کنیم درسنامه بنویسیم و حدودا یک ماه از وقتم رو گذاشتم برای درسنامه نوشتن حالا جلساتی که با اداره کل داشتیم، فیلم هایی که داشتیم تولید میکردیم و آماده میکردیم برای بچه ها این رو در واقع داشت نشون میداد که نه انگار امسال هم قراره که ادامه داشته باشه تدریس مجازی و خب شهریور که باز شد دوهفته از شهریور رو ما وارد کلاس ها شدیم و با گرما و ماسک.

تعداد بچه ها هم خیلی محدود بود دیگه یعنی مثلا تقسیم بندی کرده بودن و بچه ها نوبت به نوبت میومدن مدرسه اما فرقی با سال تحصیلی پارسال این بود که اینبار آماده بودیم و تونستیم با شرایط خودمون رو وفق بدیم.

ببینید پارسال یه مشکل اصلی که وجود داشت این بود که معلمان واقعا نمیدونستن که محتواها رو چطوری در اختیار دانش آموزان قرار بدن ما اول وارد برنامه پیام رسان ایتا شدیم بعد گفتن وارد بله بشید بعد شاد اومد با همه مشکلاتی که داشت و کلی فیلم آموزشی که واقعا همشون قابل استفاده نبودن، مطالب همشون اونقدر برای بچه ها مفید نبود یعنی یه سردرگمی عجیبی بود ولی این بار خود همه مناطق آموزش و پرورش از کل کشور بگیر تا خود مناطق استان شروع کردن به تهیه فیلم های آموزشی و ما دست پر به استقبال کرونا رفتیم اما آره از دیدن دانش آموزان محروم شدیم واقعا اتفاق خوبی نبود.

به نظر شما مناطق محروم باعث رشد و شکوفایی معلم میشه؟

میشه...

خب بستگی داره به اینکه شما رشد رو در چه ابعادی در نظر میگیرید. مناطق محروم یه خوبی هایی که داره خب خوبی هاش که خیلی زیاده الان بهتون میگم در حد سواد خودم.

ببینید شما وقتی که از محیط زندگی خودتون فاصله میگیرید و از آدم هایی که شبیه خودتون فکر میکنن و شبیه خودتون زندگی میکنن و وارد یه محیطی میشید که محرومه؛ بچه هایی که واقعا دچار مشکلات عاطفی، جسمانی و خانواده هایی که مشکل دارهستن. انگار شما دید محدود خودت رو صرفا از خانواده خودت و آدم های صرفا شبیه خودت



و آدم های صرفا شبیه خودت دور میکنی و وارد یه محیط جدید میشی انقدر به لحاظ معنوی شما رشد پیدا میکنی، انقدر حس مسئولیت پذیری تو شما تقویت پیدا میکنه نمیدونم یه حس و حال عجیبه درگیر میشید واقعا با بچه هایی که نمونه های واقعیش رو در زندگی خودتون شاید کم دیده باشید.

در همچین منطقه ای انگار خودت رو فقط نمیبینی یاد میگیری که چطوری با آدم هایی که شبیه تو نیستن برخورد کنی و به شدت انسانیت رو و نگاه به آدم ها تغییر میکنه.

اینم بگم بهتون، ببینید مناطق محروم یه خویبه که داره اینه که چون امکانات خیلی کمه معلم ها هم به لحاظ حرفه ای خیلی رشد پیدا میکنند به لحاظ شغلی و کاری خودشون یعنی چه ببینید وقتی شما با محدودیت مواجه میشید قطعاً همه تلاشتون رو میکنید که بتونید از دل همون محرومیت بهترین اتفاق رو رقم بزنید یه معلم وقتی خودمون رو داریم میگی دیگه مخصوص معلم هایی که خیلی شادابن جوانن پر از انرژی ان وارد یه محیطی میشن که خب حالا امکانات خلی کمه و میگن که با همه این چیزایی که در اختیار هست باید با این ها مثلا بیای با اون ایده آل هایی که بهت گفتیم رو پیاده کنی تو همه انگیزه و علاقه و استعدادهای خودتو بکار میگیری و مخصوصا ماهایی که از دانشگاه فرهنگیان فارغ التحصیل میشیم مطمئن باشید که از لحاظ حرفه ای از دل اون محرومیت شما بهترین اتفاق ها رو رقم میزنید و خیلی پیشرفت کاری و شغلی و .... را شاهد خواهید شد.

### در کدام منطقه خدمت میکنید؟

منطقه نازلو

### مشکلات منطقه نازلو از نظر شما چیه؟

الان که داشتیم با بچه ها صحبت میکردیم بچه ها میگفتن خوش بحالت و به به و ....

منطقه خدمت ما خب نسبت به منطقه صومای، سیلوانا و انزل بخاطر شرایط رفت و آمدش و مسیری که داره خیلی راحت تره، زمستون های اونقدر وحشتناک و سختی مثل سیلوانا و صومای نداره و ما مشکل سرویس و رفت آمد هم نداریم و مسیرش نسبت به مناطق دیگه نزدیک تره ولی خب مشکلاتی که در پاسخ به سوال قبلیتون اشاره کردم: بچه هایی که محرومن، مدارس که اونقدر امکانات نداره حالا من شانس که آوردم توی مدرسی این سه سال رو درس دادم که در واقع بافتشون شبیه مناطق شهری بود اما خب مشکلاتی که مناطق محروم داره اولاً اینکه بخوای با تکنولوژی مثلا کلاس های هوشمند و فیلم های آموزشی مختلف رو میخوای به بچه ها درس بدی چیزی که الان همه درس هایی که میخونیم و کتاب هایی که پاس میکنیم ما رو سوق میده به این سمت که از تکنولوژی میخوایم بهترین استفاده رو بکنیم خب این وجود نداره و اگه وجود داشته باشه محدود است.

مثلا خود مدرسه ما امکانات آزمایشگاهی خیلی کم بود اگه ما میخواستیم درس علوم رو به روش کاوشگری و روش مشاهده تدریس کنم من از خونه خودم وسایل برای تدریس علوم میبردم. مدیر مدرسه هر وقت وسایل میخواستیم میگفت نداریم چیکار کنیم.

### دوست دارید به مدارس منطقه شهری منتقل بشید یا همچنان حال و هوای نازلو رو دوست دارید؟

اگه بخوایم هم نمیتونیم به مدارس شهری منتقل بشیم چون پنج سال تعهد خدمت داریم.

اما بستگی داره واقعا به حال و هوای هرکس خب احوالات یکی ممکنه با مدارس شهری جور در بیاد یکی با روستایی.

ببینید بستگی به موقعیت داره، بستگی به فردا داره که قراره چی پیش بیاد و خیلی چیزای دیگه ولی من فعلاً نه بودن توی روستا رو خیلی دوست دارم دلیلش یه سری دلایل شخصی خودمه ولی اگه بخوام چندتا شو بگم بچه هایی که توی روستا هستن همه امیدشون معلمشونه...

من خودم که دانشجو بودم همش به این فکر میکردم که خب چه کاریه ماها که اینقدر انرژی داریم و تو دانشگاه فرهنگیان تحصیل کردیم و رتبه های خوب آوردیم چرا بریم تو روستا خب بیایم تو یه مدرسه خوب تو شهر بدن بگن بیاین نخبه پروری کنید این بچه ها رو شما انقدر انگیزه دارید شما پرورش بدید ولی وقتی رفتم روستا وقتی محیط رو دیدم انقدر بچه های با استعداد هستن انقدر بچه های باهوش هستن که واقعا شما میتونید ناجی زندگی اونا باشید.

ادامه دارد.....

فاطمه علیپور اقدم \_ ورودی ۹۷



## روز معلم مبارک

تا خدا بوده و هست ، معلم بوده و هست و هر روز ، روز معلم هست . معلمی هنر است عشقی است آسمانی ...

معلم، معمار قلب هاست و بذر نور در دل ها می افشاند. قدردانی و تجلیل از معلم، قدردانی باغبانی است که هر صبح، سبزی از صمیمیت با خود به کلاس می برد و با انگشتان مهربان خویش، بر شاخه قلب ها فردا را پیوند می زند. معلم را توقع نام و نان نیست. این گمنام، هر روز از تنور دایغ جانش، هزاران نان بر سفره گرسنه دل ها می بخشد و از علقمه قلبش، هزاران مشک به خیمه های عطش می رساند. تجلیل معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تأمین، و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین می کند.

در سطح بین المللی، به پیشنهاد یونسکو روز ۵ اکتبر (۱۳ مهر) هر سال به عنوان روز جهانی معلم نامگذاری شده است. با این حال در بسیاری از کشورها از جمله ایران در روز متفاوتی جشن گرفته می شود.

در سال ۱۳۴۰ خورشیدی شرایط معلمان، در آن روزگار، سخت بود و معلمان برای رسیدن به حقوق خود، تجمعاتی در سراسر کشور برگزار می کردند . در تهران نیز روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰، گروهی از معلمان، در جلوی مجلس در میدان بهارستان، تجمع کردند . یکی از آن ها " ابوالحسن خانعلی " یک معلم ۲۹ ساله دروس فلسفه و زبان عربی بود . شواهد نشان می دهد که او نه سخنان بود و نه هدایت کننده ی معلمان ، بلکه یک معلم مانند هزاران معلمی بود که در اعتراض به کم بودن حقوق خود، در آن تجمع، شرکت کرده بودند . ناصر شهرستانی، رییس کلانتری بهارستان، که موقعیت خود را در خطر می دید، با اسلحه کمری، به سمت تجمع کنندگان شلیک کرد که گلوله ای به سر ابوالحسن خانعلی اصابت کرد و دو تیر دیگر هم دو نفر را مجروح کرد . خانعلی، در راه بیمارستان بازرگانان، جان باخت.

پس از این حادثه، رییس کلانتری، برکنار و مورد بازخواست قرار گرفت . شریف امامی، نخست وزیر وقت، استعفا کرد، محمدرضا پهلوی، استعفا ی او را پذیرفت و علی امینی را مامور تشکیل کابینه جدید کرد. او قول مساعد به افزایش حقوق معلمان داد و سرانجام پس از برابر شدن حقوق معلمان با حقوق مهندسين، تحصن یازده روزه ی معلمان، پایان گرفت .

در سال ۱۳۵۸ معلمان در صدد زنده کردن ۱۲ اردیبهشت به عنوان روز معلم بر آمدند که مصادف شد با ترور مرتضی مطهری، که در شامگاه روز ۱۱ اردیبهشت ترور شد.

دولت وقت با یک روز تاخیر ۱۲ اردیبهشت را روز ترور مرتضی مطهری و روز معلم اعلام کرد و به این تیتیب روز معلم تثبیت شد.



# معرفی کتاب

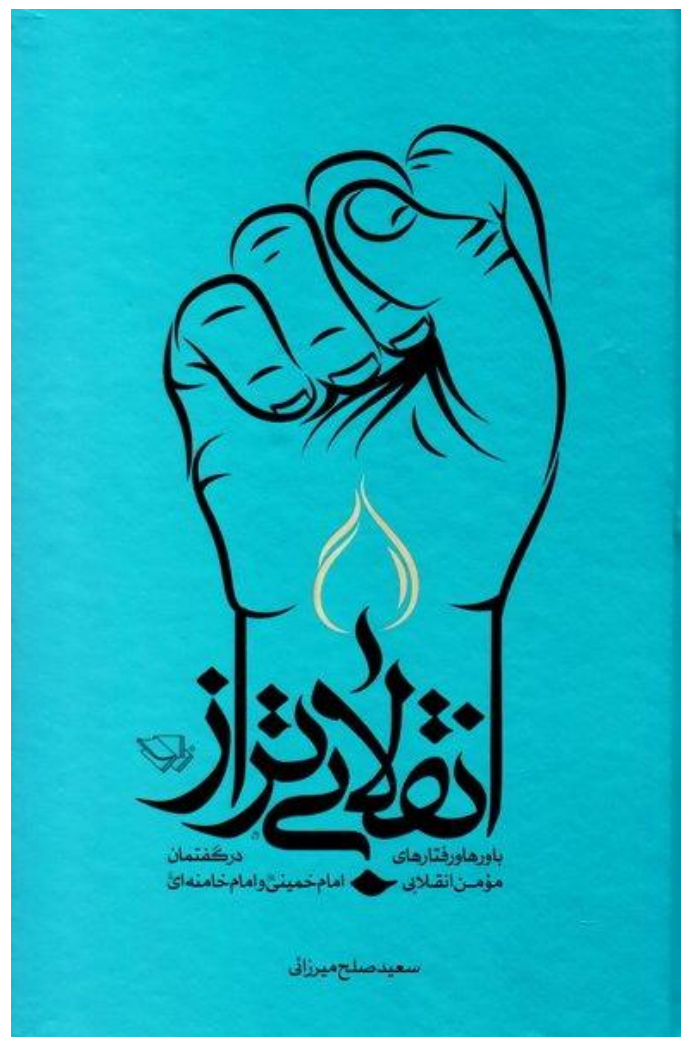
مطالب کتاب حاضر به دو بخش کلی باورها و رفتارها تقسیم می شود. مؤمن انقلابی به باورهایی معتقد است که آن باورها، اساس فکری او را تشکیل می دهد. این باورها به دو فصل کلی تقسیم شده است: باورهای اعتقادی که بیشتر صبغه دینی دارد و باورها و شناخت های انقلابی. مجموع باورها و شناخت ها به ۱۸ عنوان می رسد.

بخش رفتارها هم به توصیف ویژگی های کنشی و رفتاری انقلابی تراز مربوط است که در چهار فصل رفتارهای دینی و اخلاقی، رفتارهای انقلابی، رفتارهای اجتماعی و رفتارهای خدماتی و اقتصادی سامان دهی شده است. عناوین این بخش نیز به ۵۰ عنوان می رسد.

شناخت تفاوت های اسلام ناب از اسلام آمریکایی، شناخت خط امام خمینی (ره)، جهانی دانستن انقلاب، اعتقاد به شعار نه شرقی نه غربی، مدیون دانستن خود به انقلاب، شناخت استکبار و استعمار و جنایات آن، دشمن شناسی و شناخت نقشه های آن، اعتقاد به شعار ما می توانیم، تسلط بر تاریخ اسلام، تسلط بر تاریخ معاصر، اعتقاد به توحید و معاد، عدم تفکیک دنیا و آخرت، شناخت اسلام به عنوان دین کامل، ایمان به باطل بودن هر ولایت غیر الهی و ... از جمله موضوعاتی است که در این کتاب به آن پرداخته شده است.

در بخش هایی از این کتاب ذیل عنوان «شناخت سنت های آفرینش» در کلام امام (ره) می خوانیم: اگر خدای نخواست «ما بآنفس»، (ما) دوباره برگردد به حال اول، باز دوباره حال اول می شویم. این یک سنت الهی است که کارهایی که می شود روی اسباب و مسببات، خدای تبارک و تعالی کار می کند، اسباب و مسببات است. وقتی که شما خود تا مهیا شدید برای اینکه زیر بار ظلم بروید، ظالم پیدا می شود. این سبب می شود که ظالم پیدا بشود. هرچه بیشتر ما خضوع بکنیم برای ظالم، ظالم بیشتر فشار می آورد. وقتی که مهیا بشویم برای جلوگیری از ظالم، ظالم عقب می نشیند.

منبع سایت پاتوق کتاب فردا



سطحی نگری، سطحی آموزی در مسائل زندگی یک جامعه را زمین گیر می کند، در بلندمدت بدبخت می کند؛ باید فکر کردن را در جامعه نهادینه کرد. لذا شما ببینید که ما مثلاً از شهید مطهری که نام می آوریم، فقط به علم شهید مطهری اهمیت نمی دهیم، به تفکر شهید مطهری اهمیت می دهیم. اگر کسی دارای تفکر بود، این روحیه موجب می شود که او بتواند مسائل مهم علم را هم کشف کند. اگر جوان ما، عالم ما، دانشمند ما متفکر بار آمده باشد، از آن ذخیره دانشی که در اختیار او است، ده ها و صدها مسأله جدید مطرح می کند و پاسخ می گیرد. پس استفاده از علم با تفکر ممکن است.

### ۳- آموزش اخلاقی و رفتاری

سوم، رفتار و اخلاق؛ آموزش رفتاری، آموزش اخلاقی و همین که در بیانات وزیر محترم بود: سبک زندگی، نوع رفتار. بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل می شود. این در درجه اول به عهده چند عنصر اصلی است که یکی از عناصر اصلی معلم است. البته پدر، مادر، رفیق و مانند این ها هم مؤثرند، لکن تأثیر معلم یک تأثیر عمیق تر و ماندگارتری است؛ این کاری است که معلم باید بر عهده بگیرد.

آموختن رفتار و اخلاق از قبیل آموختن دانش نیست که فقط انسان از روی کتاب بخواند؛ درس اخلاق را با کتاب نمی شود منتقل کرد، بیش از کتاب و بیش از زبان، رفتار مؤثر است، یعنی شما در داخل اتاق درس و میان دانش آموزان، با رفتار خودتان به آن ها درس می دهید. البته با زبان هم باید گفت، باید نصیحت کرد، اما رفتار تأثیر عمیق تری دارد، تأثیر همه گیرتری دارد. صادقانه بودن سخن را رفتار انسان روشن می کند. (۵)

(۲) ۱۳۸۶/۲/۱۲

(۱) ۱۳۷۹/۲/۱۴

(۴) ۱۳۸۴/۲/۱۲

(۳) ۱۳۹۰/۲/۱۴

(۵) ۱۳۹۳/۲/۱۷

معلمان، سازندگان انسانند. (۱) معلم یعنی کسی که در دل انسان، یک چراغی را روشن می کند و او را از جهالت به دانایی و معرفتی رهنمون می شود، این معنای معلم است. این بزرگترین چیزی است که در حیات انسان قابل تصور است.

نمونه آن، معلم شهید عزیز ما، یعنی شهید مطهری است که با دانش خود، با فکر عمیق و نیرومند خود، ابعادی از مسائل اسلامی را در بخشهای مختلف حلّاجی کرد، بررسی کرد، روشن کرد و در خلال دهها کتاب با ارزش، این ها را در اختیار ما قرار داد؛ چراغی است که این مرد بزرگ در ذهن ما و در دل ما روشن کرده است. (۲)

تأثیر معلم، در موارد بسیاری حتی از تأثیر وراثتها بیشتر است. خصال وراثتی و ارثی چیزهایی است که با انسان همراه است، اما با تمرین و با عاداتهای ثانوی می توان بر همین خصال فائق آمد. این تمرین عادت ثانوی را معلم می تواند به دانش آموز خودش، به شاگرد خودش ببخشد، این نقش معلم است، (۳) یعنی حتی نقشی پررنگ تر از نقش خانواده و پدر و مادر. (۴)

### \* شغل معلم

معلم عزیز بداند شغل او فقط تعلیم نیست؛ یا به تعبیری فقط تعلیم مطالب کتاب و دانش در دست اجرا نیست. معلم، هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد، هم رفتار و اخلاق آموزی در کار او باشد. اگر تعلیم را یک معنای وسیعی بگیریم، این سه عرصه را شامل می شود:

### ۱- تعلیم

یاددادن دانش؛ محتوای کتابها و محتوای علوم و مانند این ها که باید بچه های ما این ها را یاد بگیرند. این، یک کار است.

### ۲- یاددادن تفکر

کار دوم که از این مهم تر است، یاد دادن تفکر است. کودک ما فراگیرد که فکر کند - فکر صحیح، فکر منطقی - و برای فکر کردن درست راهنمایی بشود؛

